

بسم الله الرحمن الرحيم

نقش امام حسین (علیه السلام) در امر ظهور و مهدویت

مقدمه:

یکی از عظیم‌ترین و شگرف‌ترین صحنه‌های الهی که در عالم واقع شد و مبداء و منشاء بسیاری از تحولات و دگرگونی‌ها قرار گرفت، ماجرای یکی از مربیان تام بشر^۱ یعنی امام حسین (علیه السلام) در سال ۶۰ هجری در قالب یک کاروان، از مدینه به سوی مکه و سپس به سوی کربلا طراحی و طی مدت کوتاهی به منصفه ظهور کشیده شد و الگویی برای تمامی عاقلان و عاشقان و محبان و پاک‌طینتان شد. این رفتار امام حسین (علیه السلام) در راستای همان برنامه خداوند در عالم هستی است، یعنی احقاق حق^۲، که به تمامی انبیاء و رسولان الهی نیز ابلاغ شده بود و اهل بیت (علیهم السلام) در این راستا عالی‌ترین نقش را در پیشبرد این برنامه عظیم ایفا کردند.^۳ مقوله «کاروان حسینی» بی‌شک از معجزات عظیم و از بزرگترین کلاس‌های تعلیم و تربیت بشری است که در همین راستا جایگاه پیدا می‌کند. در این نوشتار به دنبال آن هستیم که نقش امام حسین (علیه السلام) را در مهدویت و امر ظهور مورد بررسی قرار دهیم. ابتدا نقش ایشان را در صدر اسلام مورد بررسی قرار می‌دهیم، و سپس نقش ویژه ایشان در آینده عالم و به خصوص در مقاطع یوم‌الله رجعت و یوم‌الله ظهور مورد دقت نظر قرار خواهیم داد؛ در اهمیت شناخت دوران‌ها به بیان امیرالمؤمنین (علیه السلام) توجه می‌کنیم که می‌فرماید:

«مَنْ عَرَفَ الْأَيَّامَ، لَمْ يَغْفُلْ عَنِ الْإِسْتِعْدَادِ؛^۴

کسی که ایام را بشناسد، از آماده (و مهیا) شدن برای آن غافل نشود!»

و باید برای ایام‌الله آماده شد که در این راستا شناخت آنها را از مسیر کاروان حسینی (علیه السلام) پی می‌گیرم. نکته‌ای که در همین ابتدا مطرح می‌شود این است که مسأله قیام برای دو امام بزرگوار از جایگاه خاصی برخوردار است؛ همانطور که در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) آمده:

«إِذَا اجْتَمَعَتْ ثَلَاثَةٌ أَسْمَاءٍ مُتَوَالِيَةٍ مُحَمَّدٌ وَعَلِيٌّ وَالْحَسَنُ فَالرَّابِعُ الْقَائِمُ.^۵

۱- بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۴۳۷.

۲- [یونس ۸۲] ص ۲۱۸ - ﴿وَيُحِقُّ اللَّهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ﴾
و خدا با کلمات خود، حق را محقق می‌کند، هر چند مجرمان را خوش نیاید.

۳- بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۱۷۶.

۴- الکافی، ج ۸، ص ۲۳.

۵- کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۳۳.

چون در سلسله امامان سه نام محمد و علی و حسن دنبال هم آمد چهارمی قائم موعود باشد.»

می بینیم که این توالی در مورد دو امام بزرگوار، یعنی امام حسین (صلوات الله علیه) و فرزندشان حضرت مهدی (علیه السلام) مصداق یافته است.

شرط همراهی با امام حسین (علیه السلام)

قبل از ورود به اصل بحث، شرط همراهی با کاروان حسینی را از زبان خود امام بازگو می کنیم:

«مَنْ كَانَ فِينَا بَادِلًا مُهْجَتَهُ مُوْطِنًا عَلَى لِقَاءِ اللَّهِ نَفْسَهُ فَلْيَرْحَلْ مَعَنَا فَإِنِّي رَاحِلٌ مُصْبِحًا إِنْ شَاءَ اللَّهُ؛^۶

هر کس حاضر است در راه ما خون خویش را بذل کند، و آماده ملاقات با خداست، همراه ما حرکت کند، چه من صبحگاهان به راه خواهم افتاد، ان شاء الله.»

این است شرط ورود به کاروان. کسی که از برون کاروان بخواهد آن را نظاره کند، بهره چندانی نمی برد، چون تنها صحنه ها و وقایع برای او جلب توجه می کند، اما کسی که از درون کاروان و در حین همراهی نظاره گر کاروانیان می شود، از ابعاد بالاتری می تواند ببیند که از منظرهای پایینی اصلاً به چشم نمی آید.

صاحب شب قدر و مقدرات امور

با این اعتقاد که امام حسین (علیه السلام) در دوران امامت خویش، صاحب شب قدر بوده اند، شناخت شب قدر و نقش ایشان در مقدرات امور، رویکرد جدیدی را نسبت به رفتارها و برنامه های امام برای ما روشن می کند و بسیاری از اسرار و رموز حرکت کاروان حسینی را بر ما آشکار می سازد. برای درک ابعاد حرکت حسینی نیاز داریم که از افق بالاتری به مقوله کاروان حسینی نظاره کنیم. با این رویکرد است که عاشورا نه تنها پایان جلوه نمی کند، بلکه چشمه ای خواهد بود که منشأ هر حرکتی از آنجا رقم خواهد خورد. لذا فهم صحیح از شب قدر و نقش صاحب این شب به ما کمک می کند تا از نگاه صاحب شب قدر به برنامه های پیش رو نگاه کنیم.

امام صادق (علیه السلام) در مقام شب قدر می فرماید:

﴿وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ﴾ وَمَعْنَى لَيْلَةِ الْقَدْرِ أَنَّ اللَّهَ يُقَدِّرُ فِيهَا الْأَجَالَ وَالْأَرْزَاقَ - وَكُلَّ أَمْرٍ يَحْدُثُ مِنْ مَوْتٍ أَوْ حَيَاةٍ أَوْ خِصْبٍ - أَوْ جَدْبٍ أَوْ خَيْرٍ أَوْ شَرٍّ - كَمَا قَالَ اللَّهُ ﴿فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ﴾

۶- بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۶۷.

أَمْرٍ حَكِيمٍ ﴿۱﴾ إِلَى سَنَةِ، قَوْلُهُ ﴿۲﴾ تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا ﴿۳﴾ قَالَ تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ الْقُدُسِ عَلَيَّ
إِمَامِ الزَّمَانِ وَيَدْفَعُونَ إِلَيْهِ مَا قَدْ كَتَبُوهُ مِنْ هَذِهِ الْأُمُورِ؛^۷

«و تو چه دانی که شب قدر چیست» و معنی شب قدر اینکه همانا خداوند در شب قدر
مقدر کرد اجل‌ها و ارزاق و هر امری را که حادث می‌شود؛ یا مرگ یا زندگی، حاصلخیزی یا
خشکسالی یا خوبی یا بدی. همانطور که خدا فرمود: «در شب قدر، هر امری با حکمت را از
حق و باطل جدا می‌کند» برای همان سال. (درباره) این سخن خداوند «ملائکه و روح در آن
(شب) نازل شوند» فرمود: ملائکه و روح‌القدس بر امام زمان نازل شوند، و آنچه را از این امور
پیش از این مکتوب کرده‌اند به سوی ایشان عرضه می‌دارند.»

ما امام حسین (علیه‌السلام) را خلیفه خدا و صاحب شب قدر می‌دانیم،^۸ یقین داریم که حداقل امورات آن سال
(سال ۶۰ هجری) را ایشان از جانب خداوند امضاء فرموده است و به کلیات و جزئیات آن اشراف دارد. یکی از
اموراتی که در راستای امر ظهور پایین آمد، حرکت کاروان حسینی بود که با حرکت این کاروان، روش و مسیر
حرکت به سوی ظهور تبیین شد. یکی از امورات که بسیار هم سنگین آمد و باعث مصیبت اعظم شد، امضای
شهادت خویش و اصحاب‌شان است؛ هر چند که خداوند خواسته ایشان را کشته ببیند، لکن این شهادت مطابق با
مشیت الهی و به دست صاحب شب قدر آن سال امضاء و مقدر شد؛ خداوند در شب قدر آن سال تقدیر کرد که با
ریخته شدن خون امام حسین (علیه‌السلام) حجاب‌های قطور عالم و بشریت که به واسطه گناهان بدترین انسان‌ها
ایجاد شده بود از بین برود و مسیر به سوی ظهور تسهیل شود؛ طبق روایات کمترین اثر خون یک شهید این است
که گناهان او را پاک می‌کند،^۹ چطور انتظار نداشته باشیم که شهادت چون حسینی که از سروران اهل بهشت است،
اثری در پهنه عالم نداشته باشد؟! لکن با بررسی مفهوم «تارالله» می‌توان به اثرات خون امام حسین (علیه‌السلام) پی
برد.

«کاروان حسینی» الگوی «کاروان بشریت»

همانطور که درباره مقام و منزلت امام حسین (علیه‌السلام) فرمودند که ایشان چراغ هدایت و کشتی نجات
هستند، این برنامه امام حسین در قالب «کاروان حسینی» تداعی‌گر همان مقام و منزلت ایشان است که با این رفتار
عملاً مسیر و روش حرکت به سوی ظهور را به همگان نشان دادند.

۷- بحار الأنوار، ج ۹۴، ص ۱۴.

۸- تأویل الآیات الظاهرة، ص ۷۹۳.

۹- وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص ۳۲۴.

طرح مسأله: آیا حرکت کاروان حسینی در راستای مهدویت بوده؟

شاید ابتدا برای ما این سؤال ایجاد شود که آیا این رفتار امام حسین (علیه‌السلام) با مهدویت و امر ظهور ارتباطی دارد؟ و آیا این ارتباط در حدی است که بتوان گفت حرکت امام چیزی غیر از این راستا و هدف نبوده است؟!

لذا از اینجای بحث می‌خواهیم در صدد بررسی جنبه‌های مختلف این مسأله برآییم.

کاروان بشریت برای اینکه بتواند از دریای متلاطم دنیا به سلامت عبور کند، نیاز دارد رفتار کاروانی را الگوی عملی خود قرار دهد، آن هم کاروانی که قافله‌سالار کاروان چون امام حسین (علیه‌السلام) باشد. امام حسین (صلوات الله علیه) با جریان دادن این کاروان در سال ۶۰ هجری به بشریت نشان دادند که چگونه در مسیر ﴿إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾^{۱۰} حرکت کنند.

یکی از الگوهای کاروان حسینی برای بشریت و به خصوص برای مستضعفان عالم، تشکیل کاروانی عظیم به سوی مهدی (علیه‌السلام) است. مقصد این کاروان رسیدن به بهشت موعود حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است.

رهبر معظم انقلاب (حفظه الله) مسیر و هدف کاروان بشریت را چنین توصیف می‌فرماید:

«یکی از بخش‌های این جهان‌بینی، عبارت است از مسأله‌نهایت سیر کاروان بشر در این دنیا. یک مسأله این است که بشریت دارد به کجا می‌رود؟ اگر ما جامعه بشری را در طول تاریخ به کاروانی تشبیه کنیم که دارد یک مسیری را می‌رود، این سؤال مطرح است که این کاروان به کجا می‌رود؟ مقصد این کاروان کجا است؟ متعالیه این سیر کجا است؟ همه معتقدند که این کاروان در پایان، در آخر راه، به یک منزلگاه مطلوب و دلگشا و دلنشین خواهد رسید. خصوصیت عمده این مقصد هم «عدالت» است؛ عدالت، خواسته عمومی بشریت از اوّل تا امروز و تا آخر است. در واقع هر فردی از آحاد بشر می‌داند که این سیر عمومی بشر به کجا منتهی خواهد شد ... همه آنچه در تاریخ بشر تا امروز مشاهده می‌کنیم، حرکت در همان کوره‌راه‌ها و در همان فراز و نشیب‌ها و در همان خارستان‌ها و لجن‌زارها و مانند اینها بوده است؛ بشریت دارد همین‌طور این راه را طی می‌کند تا به اتوبان برسد؛ این اتوبان، دوران مهدویت است، دوران ظهور حضرت مهدی (سلام الله علیه) است.»^{۱۱}

حرکت حسینی الگوی برپایی ظهور

آیا می‌توان از کربلای حسینی (صلوات الله علیه) به ظهور مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) رسید؟

۱۰- [بقره ۱۵۶] ص ۲۴.

۱۱- خامنه‌ای، سید علی، بیانات ایشان در دیدار پژوهشگران و کارکنان مؤسسه «دارالحدیث» و پژوهشگاه «قرآن و حدیث»

چه رابطه‌ای میان اصحاب حضرت سید الشهداء (علیه‌السلام) و یاوران امام مهدی (علیه‌السلام) وجود دارد؟ آیا می‌توانیم بگوییم که هر دو امام بزرگوار (علیهما‌السلام) برای رسیدن به حکومت حق‌ه اهل‌بیت (علیهم‌السلام) قیام کردند؟ حرکت و قیام امام حسین (علیه‌السلام) از کنار خانه‌ خدا شروع شد؛ ظهور حضرت مهدی (علیه‌السلام) نیز از همان موقعیت شروع می‌شود:

«فَعِنْدَ ذَلِكَ خُرُوجُ قَائِمِنَا فَإِذَا خَرَجَ أَسْنَدَ ظَهْرَهُ إِلَى الْكُعْبَةِ...»^{۱۲}

در این هنگام است که قائم ما خروج کند، و چون ظهور کند به خانه کعبه تکیه زند....»

امام حسین (علیه‌السلام) به قصد کوفه خارج شدند؛ حضرت مهدی (علیه‌السلام) نیز بعد از ظهور به قصد کوفه خارج می‌شوند. امام باقر (علیه‌السلام) می‌فرماید:

«إِنَّ الْقَائِمَ إِذَا قَامَ بِمَكَّةَ، وَ أَرَادَ أَنْ يَتَوَجَّهَ إِلَى الْكُوفَةِ...»^{۱۳}

چون حضرت قائم در مکه قیام کند و خواهد متوجه کوفه شود...

اصحاب راستین امام حسین (صلوات الله علیه) از کنار خانه خدا پروانه‌وار به دور امام حرکت می‌کردند؛ یاوران حضرت مهدی (صلوات الله علیه) نیز در کنار خانه خدا نزد امام (علیه‌السلام) جمع می‌شوند و ایشان را همراهی می‌کنند:

«وَ اجْتَمَعَ إِلَيْهِ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا»^{۱۴}

و سیصد و سیزده مرد به گرد او اجتماع کنند.»

کاروانیان حسینی فقط به دنبال خواست و رضایت امام حسین (صلوات الله علیه) بودند؛ اصحاب حضرت مهدی (علیه‌السلام) نیز فقط به دنبال خواست و رضایت امام زمان خودشان هستند. یکی از برنامه‌های اباعبد الله الحسین (علیه‌السلام) که در قالب قیام جلوه پیدا کرده، و در راستای امر به معروف و نهی از منکر هم بیان شده، معرفی فرهنگ صالحان است، همان صالحینی که وارثان زمین قرار داده خواهند شد؛ و امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز برای همین هدف قیام خواهند کرد. این هدف امام زمانی رمزگشایی می‌شود که در آخرین خطبه حضرت در روز عاشورا - آن هم برای خواصی که نزد امام ماندند - بیان فرمودند.^{۱۵}

۱۲- کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۱، ص ۳۳۱.

۱۳- الکافی، ج ۱، ص ۲۳۱.

۱۴- همان.

۱۵- بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۸۰.

با مطالعه دیگر مصادیق به این نتیجه می‌رسیم که میان حرکت حسینی و برپایی ظهور رابطه‌ای نزدیک وجود دارد تا حدی که می‌شود قیام حسینی را الگویی برای برپایی ظهور تلقی کرد. لذا عقل حکم می‌کند منزل به منزل از آغاز حرکت کاروان تا پایان آن را با دقت در احوال امام حسین (علیه‌السلام) و کاروانیان، با توجه به سطح و درجات تربیتی این یاوران (چون ابوالفضل (سلام الله علیه)) مورد دقت و بررسی قرار دهیم.

ارزش‌ها و تربیت‌های کاروان حسینی بهترین الگوی عملی کاروان بشریت

کاروان حسینی، کاروان ارزش‌هاست؛ و بالاترین ارزش‌ها در این کاروان، پیروی از هادی حی و همراهی ایشان است. در آن زمانی که امویان تنها پوسته‌ای از اسلام را باقی گذاشتند، آن هم برای اینکه مستمسکی برای ادامه حیات سیاسی خود قرار دهند، نیاز بود امام (علیه‌السلام) این ارزش را دوباره احیاء کنند. جنگ و نبرد با دشمن برای کاروانیان اصل نبود؛ همه کاروانیان فقط و فقط به دنبال همراهی با صاحب کاروان بودند. یکی از ارزش‌های کاروانیان که شدت همراهی‌شان را نمایان می‌ساخت، مقوله «اذن» بود، با اذن امام به میدان جنگ می‌رفتند و علیه دشمنان می‌تاختند. و اصلاً قیمت فعل‌شان به این بود که با اذن امام بر دشمن می‌تاختند. کاروانیان در نور ولایت امام حسین (صلوات الله علیه) رشد کردند و به جایی رسانده شدند که به استناد کلام ایشان «أَمْرُهُمْ أَمْرِي وَرَأْيُهُمْ رَأْيِي»^{۱۶} شدند. محصول این نوع تربیت، آن بود که به بالاترین موقعیت‌ها - اعلی‌علیین - برده شدند، جایی که حتی برترین‌های بشر برای رسانده شدن به این مقام غبطه می‌خورند. همانطور که در زیارتنامه حضرت عباس (سلام الله علیه) آمده: «وَعَظِيمَ شَأْنِهِ فِي أَعْلَىٰ عِلِّيِّينَ لَأَسْتَقْلُلَتْ مَا تَرَاهُ لَهُ هَاهُنَا...»^{۱۷} به همین خاطر درباره ابوالفضل (علیه‌السلام) گفته شده مقام ایشان مقامی است که اولین و آخرین به آن غبطه می‌خورند:

«وَإِنَّ لِعَبَّاسٍ عِنْدَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَىٰ لَمَنْزِلَةً يُغْبِطُ بِهَا جَمِيعُ الشُّهَدَاءِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.»^{۱۸}

برای عباس نزد خدا مقامی است که جمیع شهیدان در روز قیامت بر آن غبطه می‌خورند.»

ارزش‌ها و تربیت‌های کاروان حسینی بهترین الگوی عملی کاروان بشریت است. ما باید واجد ارزش‌ها و تربیت‌های جاری در کاروان حسینی باشیم، باید واجد صفات حسینی بشویم، برای واجد شدن این صفات ابتدا باید ظرف وجودی خودمان را از صفات رذیله پاک کنیم و استحمام شویم، تا لایق همراهی با بهترین خوبان عالم و معلمان بشر باشیم. در یک کلام باید حسینی بشویم. حسینی شدن در این زمان (طبق الگوی کاروان حسینی) یعنی ابتدا باید به جستجوی امام حی بگردیم، امام حی را هر چند از پشت پرده غیبت، بیابیم و بتوانیم از ایشان انتفاع ببریم؛^{۱۹} تمام هم و غم‌مان همراهی با امام حی باشد. باید همچون کاروانیان در صفات، شبهه به امام زمان مان باشیم

۱۶- بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۲۹.

۱۷- بحار الأنوار، ج ۳۹، ص ۲۵.

۱۸- الخصال، ج ۱، ص ۶۸.

۱۹- کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۸۵.

و با تقید به آن ارزش‌ها، در معیت امام حی قرار بگیریم. بیایم به دنبال تشکیل کاروانی عظیم به سوی مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) باشیم و زمینه‌ساز ظهور ایشان.^{۲۰} انقلاب اسلامی ایران که به تعبیر امام راحل (ره) انفجار نور بود، ظرف مناسبی است تا این ارزش‌ها را به طور عملی مرور کنیم و با پیروی از مقام معظم رهبری (ایده الله) رفتار در قبال امام زمان خویش را تمرین کنیم. این ایام محرم و صفر فرصتی است تا به طور خاص ارزش‌های اصلی در اسلام را بشناسیم و به این باور برسیم که قیمت کاروان حسینی به قافله‌سالار کاروان است و ارزش‌هایی که از جانب این قافله‌سالار در کاروان جریان داده می‌شود؛ که اگر این ارزش‌های محوری از میان خیلی ارزش‌ها بازشناسی شود و در ما احیا شود، امید آن می‌رود که اسلام زنده نگه داشته شود؛ همان اسلام نابی که از اسلام میت (آمریکایی) تمیز داده شده است.

حرکت کاروان حسینی از ظلمت به سوی نور با دست ولیّ مقتدر

امام حسین (صلوات الله علیه)، آن ولیّ مقتدر، آن کسی که چراغ هدایت او پرنورتر و کشتی وجود او جادارتر و با سرعت به مقصد رساننده است،^{۲۱} در سال ۶۰ هجری قافله‌سالار کاروانی شدند که با نور هدایت خودشان و با دست ولایی خودشان و به واسطه حبّی که بر قلب‌های کاروانیان تابانده بود و ساطع کرده بود، انقلابی در قلوب آنها به بپا کرد، و دست این افراد را گرفت و از ظلمت به سوی نور حرکت داد. نه تنها به سوی نور حرکت داده شدند، بلکه به بهترین سرانجام‌ها هم رسانده شدند،^{۲۲} آن هم در اوج بهشت‌ها در بهترین موقعیت عالم، یعنی در اعلی‌علین قرار داده شدند. امام حسین (صلوات الله علیه) در طول تاریخ بشریت کاری کردند که هیچ یک از انبیاء و رسولان الهی قادر به انجام آن نشدند. خداوند به حضرت موسی (علیه السلام) می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ﴾^{۲۳}؛

ما موسی را با آیات خود فرستادیم؛ و گفتیم که؛ قومت را از ظلمات به نور بیرون آر! و ایشان را متذکر «ایام‌الله» بنما که در این «ایام‌الله» نشانه‌هایی است برای هر صبر کننده شکرگزار.

خداوند متعال حضرت موسی (علیه السلام) را با آیات الهی به سوی قوم بنی‌اسرائیل روانه کرد، و خداوند از ایشان خواست که قوم خود را از ظلمات به سوی نور حرکت بدهد و بعد از اینکه از ظلمت خارج شدند و در فضای نور قرار گرفتند ایام‌الله را بر آنها متذکر باشد؛^{۲۴} یعنی قوم خود را با یوم‌الله رجعت و یوم‌الله ظهور و یوم‌الله

۲۰- صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۰۸ تاریخ: ۶۸/۱/۲.

۲۱- عیون أخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۱، ص ۵۹.

۲۲- [کهف ۴۴] ص ۲۹۸ - ﴿هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ لِلَّهِ الْحَقُّ هُوَ خَيْرٌ ثَوَابًا وَ خَيْرٌ عُقْبًا﴾

در آنجا ثابت شد که ولایت (و قدرت) از آن خداوند بر حق است! اوست که برترین ثواب، و بهترین عاقبت را دارد!

۲۳- [ابراهیم ۵] ص ۲۵۵.

۲۴- الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، ص ۹۷.

قیامت آشنا کند. برای اینکه همیشه این ایام الله برای آنان مهم جلوه کند، موافقی را جهت تذکر و یادآور به آن ایام الله قرار داد.

اما در صدر اسلام، در سال ۶۰ هجری امام حسین (صلوات الله علیه) توانستند در کوتاه‌ترین زمان، دست عده‌ای از انسان‌ها را گرفته و از عمق دنیا به بالاترین جایگاه‌ها برسانند، نه تنها از ظلمت به سوی نور حرکت دادند، بلکه عملاً با ایام الله آشنا کردند و جایگاه تک تک کاروانیان را درون بهشت‌ها نشان دادند. این حرکتی بسیار عظیم بود که توسط امام عالم و ولی عالم برای انبیاء و رسولان الهی و دیگر خوبان دنیا به نمایش گذاشته شد.^{۲۵}

نقش خاصه امام حسین (علیه السلام) در ایام الله رجعت و ظهور

کثرت روایات در رجعت امام حسین (علیه السلام) در مقاطع مختلف یوم الله رجعت و یوم الله ظهور، نشان می‌دهد که این موضوع یک امر حتمی است که محقق خواهد شد. تعدادی از ملائکه در روز عاشورا به نصرت امام حسین (علیه السلام) آمدند، ولی به آنها اذن داده نشد و همچنان منتظر قیام و رجعت حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) هستند؛ ما نباید کمتر از ملائکه رفتار کنیم و باید در همه احوالات جزو منتظران رجعت امام حسین (علیه السلام) باشیم و خودمان را از تمامی جنبه‌ها برای این موضوع آماده کنیم، چرا که ایشان اولین کسی خواهد بود که به صورت خاصی به دنیا رجعت خواهد کرد.

امام حسین (علیه السلام)، اولین رجعت کننده به دنیا (با کیفیتی خاص)

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید:

«أَوَّلُ مَنْ تَنْشَقُّ الْأَرْضُ عَنْهُ وَ يَرْجِعُ إِلَى الدُّنْيَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ ع وَ إِنْ الرَّجْعَةَ لَيْسَتْ بِعَامَّةٍ وَ هِيَ خَاصَّةٌ لَأَنْ يَرْجِعُ إِلَّا مَنْ مَحَضَ الْإِيمَانَ مَحْضًا أَوْ مَحَضَ الشُّرْكَ مَحْضًا.»^{۲۶}

نخستین کسی که قبرش می‌شکافد و زنده شده به دنیا برمی‌گردد حسین بن علی (علیه السلام) است و این رجعت عمومی نیست، بلکه افراد خاصی به دنیا برمی‌گردند که یا مؤمن خالص و یا مشرک محض باشند.»

ایشان در روایتی دیگر می‌فرماید:

«إِنَّ أَوَّلَ مَنْ يَكْرُؤُ إِلَى الدُّنْيَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ ع وَ أَصْحَابُهُ وَ يَزِيدُ بْنُ مُعَاوِيَةَ وَ أَصْحَابُهُ فَيَقْتُلُهُمْ حَذْوًا الْقُدَّةَ بِالْقُدَّةِ.»^{۲۷}

۲۵- ر.ک: خطبه امام خطاب به کاروانیان در روز عاشورا (الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۸۴۸).

۲۶- بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۳۹.

۲۷- همان، ص ۷۶.

نخستین گروهی که به دنیا باز می‌گردند حسین بن علی (علیه‌السلام) و اصحاب او و یزید بن معاویه و یارانش هستند. حسین (علیه‌السلام) همه را ردیف کرده از دم شمشیر می‌گذراند.

رجعت امام حسین (علیه‌السلام) برای انتقام از دشمنان

درخواست انتقام از قاتلان امام حسین، اولین بار به وسیله قلم بر لوح نوشته شد.^{۲۸} این امر هنوز محقق نشده است، انبیاء و رسولان (علیه‌السلام) نیز هر یک در موقعیت کربلا قرار گرفتند و از طرف خداوند به اهداف و ارزش‌های کربلا متذکر شدند و آنها نیز از خداوند درخواست لعن و انتقام از قاتلان امام حسین (علیه‌السلام) را کردند.^{۲۹} اگرچه انتقام عملی از قاتلان حضرت سیدالشهداء با نفرین ایشان در صحرای کربلا بعد از ماجرای عاشورا شروع شده است، اما اوج این انتقام‌ها در مقاطع آینده، در یوم‌الله رجعت محقق خواهد شد. در دو مقطع بزرگ در نشئات آینده، قصاص و انتقام شدیدی از قاتلین امام حسین و یاران با وفایش گرفته خواهد شد.

انتقام اول با ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به وقوع می‌پیوندد؛ یکی از اهداف مهم قیام امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) انتقام از قاتلان شهدای کربلا و خون‌های به ناحق ریخته شده دیگر اهل بیت (علیهم‌السلام) است. در دعای ندبه داریم که:

«أَيْنَ الطَّالِبِ بِدَمِ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَاءَ.»^{۳۰}

کجاست آن کسی که طالب انتقام خون شهدای کربلا است.»

حضرت قائم (علیه‌السلام) بعد از ظهور خودشان انتقام شدیدی از قاتلان شهدای کربلا خواهد گرفت. انتقام دوم با رجعت سالار شهیدان، امام حسین (صلوات الله علیه) در دوران بعد از ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است؛

امام حسین (علیه‌السلام) نه تنها از قاتلین شهدای کربلا، بلکه از تمامی کسانی که غاصب حقوق حقه اهل بیت (علیهم‌السلام) شدند انتقام خواهند گرفت و فراتر از آن از تمامی کسانی که راضی به عمل نیاکان باطل خود هستند نیز انتقام گرفته خواهد شد.^{۳۱} وقتی که از این چشم‌انداز، یعنی از منظر برنامه به سوی انتقام، به سیر حرکت امام نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که هنوز این نهضت و این حرکت ادامه دارد و از این منظر، ما حرکت امام حسین (علیه‌السلام) را پایان این ماجرا نمی‌دانیم.

یکی از عالی‌ترین رفتارها در قبال رجعت این است که باید انتظار کشید؛ انتظاری که برتر از انتظار ملائک فرودآمده در روز عاشورا است:

۲۸- همان، ج ۴، ص ۲۴۳.

۲۹- همان، ص ۲۴۴.

۳۰- المزار الکبیر، ص ۵۷۹.

۳۱- مختصر البصائر، ص ۱۲۱.

«وَأَنْتَى مُقِرٌّ بِكُمْ، مُعْتَصِمٌ بِحَبْلِكُمْ، مُتَوَقِّعٌ لِدَوَائِكُمْ، مُنْتَظِرٌ لِرَجْعَتِكُمْ...»^{۳۲}

رجعت امام حسین (علیه السلام) برای نصرت جبهه حق

یکی از رویکردهای مهم رجعت اباعبدالله الحسین (علیه السلام)، نصرت جبهه حق است. یکی از عوامل تأثیرگذار در پیشبرد جبهه حق، رجعت‌های امام حسین (علیه السلام) در مقاطع مختلف آخرالزمان است. در روایات داریم که همه انبیاء الهی از آدم تا خاتم النبیین (علیهم السلام) به دنیا رجعت خواهند کرد تا به عهد خودشان که همان نصرت اهل بیت (علیهم السلام) بود عمل کنند؛^{۳۳} اما شدت صحنه‌ها به حدی سخت خواهد بود که خود انبیاء و رسولان الهی از طرف خداوند درخواست نصرت می‌کنند^{۳۴} و دوباره خود اهل بیت (علیهم السلام) خواهند بود که به نصرت انبیاء می‌آیند. برای فهم بیشتر این مطلب می‌توان آیات و روایات نصرت جبهه حق در آخرالزمان توسط دابة الأرض و رجعت‌هایی که امام حسین و دیگر اهل بیت (علیهم السلام) در این راستا خواهند داشت، مورد تفقه بیشتری قرار داد.

یکی از نشانه‌های نصرت جبهه حق توسط امام حسین (علیه السلام) این است که، ایشان رجعت‌های زیادی در مقاطع مختلف دوران ظهور خواهند داشت و عموماً وقوع این رجعت‌ها به صورت گروهی است. به عنوان مثال؛ رجعت ایشان به همراه پدر بزرگوارشان امیرالمؤمنین (علیه السلام)،^{۳۵} رجعت با دوازده هزار صدیق و شهدای کربلا،^{۳۶} رجعت به همراه اصحاب خود و هفتاد پیامبر^{۳۷} و رجعت ایشان با دوازده هزار شیعه پس از ظهور^{۳۸} و دیگر رجعت‌های ایشان همگی در راستای پیشبرد هر چه بهتر جبهه حق صورت می‌گیرد.

بیعت امام حسین (صلوات الله علیه) با مهدی (علیه السلام) در زمان ظهور

همه برنامه‌های الهی در یک سیر منظم و هماهنگ و نظام‌مند، تحت ولایت یک ولی مقتدر در بعد از ظهور به حرکت خود در مسیر به سوی ﴿إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾ پیش خواهد رفت. تمام انبیاء و رسولان الهی، تمام اوصیای الهی زیر بیرق جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قرار خواهند گرفت. امام حسین (صلوات الله علیه) اگرچه به لحاظ شأنیّت و مقام از امام زمان (علیه السلام) بالاتر است، اما در زمان مُلک‌داری حضرت مهدی (علیه السلام)، حضرت دست بیعت با ولیّ زمانه خویش می‌دهد تا به تحقق اهداف الهی که همان برپایی حکومت جهانی است برسند. در زمانی که حضرت مهدی (علیه السلام) ظهور کرده است امام حسین (صلوات الله علیه) به

۳۲- المزار الکبیر، ص ۲۵۰.

۳۳- تفسیر القمی، ص ۲۴۷.

۳۴- [بقره ۲۱۴] ص ۳۳.

۳۵- بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۳۹.

۳۶- الهدایة الکبری، ص ۴۰۵.

۳۷- مختصر البصائر، ص ۱۶۵.

۳۸- بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۷.

همراه چهل هزار نفر در حالی که قرآن بر گردن آویزان کرده‌اند و شمشیر و اسلحه حمل می‌کنند نزدیک اردوگاه حضرت مهدی (علیه‌السلام) می‌آیند، امام حسین (علیه‌السلام) به بعضی از یاران می‌فرماید: بروید از این جمعیت - اطراف امام مهدی (عج) - پرسید شما کیستید؟ و رهبرتان کیست؟ و هدف‌تان چیست؟ او از آنها همین سؤالات را می‌کند، آنها در پاسخ می‌گویند: «ما یاران مهدی (علیه‌السلام) هستیم و صاحب ما حضرت مهدی (علیه‌السلام) است و در آیین محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) و آلش (علیهم‌السلام) هستیم.» آنگاه امام حسین (صلوات الله علیه) همراه سپاهش به سپاه امام مهدی (سلام الله علیه) می‌پیوندند و امام حسین (صلوات الله علیه) پس از سؤالاتی از امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و دریافت صدق نشانه‌های حضرت قائم در وجود مهدی (علیه‌السلام)، فریاد می‌زند:

«اللَّهُ أَكْبَرُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَدَّ يَدَكَ حَتَّىٰ أَبَايَعَكَ فَيُبَايِعُهُ الْحُسَيْنُ عَ وَ سَائِرُ عَسْكَرِهِ؛^{۳۹}

الله اکبر، ای پسر پیامبر، دستت را بده تا با تو بیعت کنم.» آنگاه امام حسین (علیه‌السلام) با امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بیعت می‌کند و سایر یاران امام حسین (علیه‌السلام) نیز بیعت می‌کنند.»

پیشبرد (موفق) جنگ‌های زمان ظهور توسط امام حسین (صلوات الله علیه)

امام حسین (علیه‌السلام) به عنوان بهترین از نخبگان و معلمان از بشر، جبهه حق را یاری خواهند کرد. ایشان به واسطه علم و قدرت الهی که دارند جبهه حق را در رسیدن به بهترین جایگاه‌ها ولایت خواهند کرد.^{۴۰} تمام کسانی که رجعت کرده‌اند و بالأخص انبیاء و رسولانی که رجعت کرده‌اند ذیل ولایت کسی چون امام حسین (علیه‌السلام) به عنوان فرمانده سپاه حق، دین اسلام را نصرت خواهند کرد. هدف احقاق حق است؛^{۴۱} هدف ایجاد سرزمینی امن و توحیدی و بدون شرک است که تحقق این امر با قدرت ولایی امام حسین (علیه‌السلام) به همراه دیگر صالحین انجام می‌شود.^{۴۲} به سه مورد از اهداف و برنامه‌های مهم خداوند که امام حسین (علیه‌السلام) نقش ویژه‌ای در تحقق آنها خواهد داشت اشاره می‌کنیم.

تحقق جامعه‌ای امن و توحیدی و بدون شرک

ایشان در نقش ویژه خود در پیشبرد موفق جنگ‌های بعد از ظهور و فتح سرزمین‌ها در راستای ایجاد سرزمینی امن و توحیدی چنین می‌فرماید:

۳۹- همان، ج ۵۳، ص ۳۶-۳۵.

۴۰- [کشف ۴۴] ص ۲۹۸.

۴۱- [یونس ۸۲] ص ۲۱۸.

۴۲- [نور ۵۵] ص ۳۵۷.

«ثُمَّ إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَ يَدْفَعُ إِلَى سَيْفِ رَسُولِ اللَّهِ ص فَيَبْعَثُنِي إِلَى الشَّرْقِ وَالْغَرْبِ وَلَا آتِي عَلَى عَدُوٍّ إِلَّا أَهْرَقْتُ دَمَهُ وَلَا أَدْعُ صَنَمًا إِلَّا أَهْرَقْتُهُ حَتَّى أَقَعَ إِلَى الْهِنْدِ فَأَفْتَحَهَا»^{٤٣}

سپس امیرالمؤمنین (علیه السلام) شمشیر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) را به من می سپارد و مرا به سوی شرق و غرب برمی انگیزد. پس بر هیچ دشمنی نمی گذرم، مگر اینکه خون او را بریزم و هیچ بتی را نیابم، مگر آنکه او را بسوزانم. تا به سوی هند [برانگیخته شدنم] واقع شود و آن را فتح کنم.»

پاک کردن زمین از هر ناپاکی و ناجوری ها

در ادامه، امام حسین (علیه السلام) می فرماید:

«ثُمَّ لَا تُقْتَلَنَّ كُلُّ دَابَّةٍ حَرَّمَ اللَّهُ لَحْمَهَا حَتَّى لَا يَكُونَ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ إِلَّا الطَّيِّبُ»^{٤٤}

سپس هر موجود جاننداری را که خداوند گوشت آن را حرام کرده، از بین خواهم برد، تا بر روی زمین به جز پاکی چیز دیگری نباشد.»

جنگ های عظیم آخرالزمانی با دشمنان در راستای برپایی مُلک عظیم اهل بیت (علیهم السلام) خواهد بود؛ برای برپایی این مُلک باید زمین از وجود هر شری و هر آلودگی پاک باشد. زمین باید از وجود هر شری پاک و طاهر شود.^{٤٥} امام حسین (علیه السلام) در پیشبرد این هدف مهم نیز، نقش ویژه ای ایفا خواهند کرد؛ هر جنبنده حرام گوشتی که از انس و جن و حیوان و غیره که در روی زمین باشد توسط ایشان از بین خواهد رفت. مُلک اهل بیت (علیهم السلام) باید عاری از هر رذیله و ناجوری ها باشد. باید توسط صالحین بهشتی برپا شود که نه تنها ابلیس لعین، بلکه هیچ باطلی در آن راه نداشته باشد. با کشته شدن ابلیس لعین است که دیگر هیچ اثری از بدان بر روی زمین نخواهد بود.^{٤٦}

غلبه دادن دین اسلام بر دیگر ادیان

یکی از موضوعات عظیمی که امام حسین (صلوات الله علیه) در پیشبرد موفق جنگ های آخرالزمانی به آن تحقق خواهد بخشید، غلبه دادن دین اسلام بر دیگر ادیان است؛ که توسط ایشان محقق خواهد شد. ایشان در عمل به این وعده الهی، به کاروانیان می فرماید:

٤٣- الخرائج و الجرائح، ج ٢، ص ٨٤٨.

٤٤- همان.

٤٥- الکافی، ج ١، ص ٤٥١.

٤٦- مختصر البصائر، ص ١١٥.

«وَاعْرِضْ عَلَى الْيَهُودِ وَالنَّصَارَى وَسَائِرِ الْمَلَائِكَةِ وَالْأَخْيَرِ تَبَيَّنَ بَيْنَ الْإِسْلَامِ وَالسَّيْفِ فَمَنْ أَسْلَمَ
مَنْتُ عَلَيْهِ وَمَنْ كَرِهَ الْإِسْلَامَ أَهْرَقَ اللَّهُ دَمَهُ»^{٤٧}

سپس بر یهود و نصاری [مسیحیان] و سایر ملت‌ها بتازم و آنها را بین دین اسلام و شمشیر
مخیر می‌سازم. [بعد از اینکه حق بر همگان آشکار شد،] پس هر کس اسلام آورد، بر او منت
نهم و هر کس دین اسلام را نپذیرد، خون او را می‌ریزم.»

به استناد آیه ۸۵ سوره آل عمران در آخرت هیچ دینی غیر از دین اسلام از کسی پذیرفته نخواهد شد^{٤٨} و در
آخرالزمان تنها دین غالب دین اسلام خواهد بود که امام حسین (صلوات الله علیه) به این امر مهم تحقیق خواهند
بخشید. یکی از آیات قرآن کریم که اشاره به این موضوع دارد، آیه ۳۳ سوره توبه است که خداوند در این آیه
می‌فرماید:

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾^{٤٩}

او کسی است که رسول خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا او را بر همه ادیان غالب
سازد، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند.»

تحقق این آیه در آخرالزمان و بخش عمده‌ای از آن، توسط امام حسین (صلوات الله علیه) انجام خواهد شد هر
چند دشمنان از پذیرفتن این امر کراهت داشته باشند.

حکومت (چند هزار ساله) امام حسین (علیه السلام) در مُلک عظیم

در ادامه می‌خواهیم به نقش و جایگاه امام حسین (صلوات الله علیه) در مُلک عظیم اهل بیت (علیهم السلام) که
بعد از ظهور برپا خواهد شد، پردازیم. این مقطع از زمان در حالی شروع خواهد شد که دیگر اثری از ظلم و ستم
و ناجوری‌ها نخواهد بود،^{٥٠} بشر در سیر حرکت خود بعد از گذر از مقطع دنیا به مقطعی از زمان می‌رسد که از آن
با عنوان آخرت یاد می‌کنیم.^{٥١} فضایی که از این سرزمین در آیات و روایات ترسیم شده است یک فضای
بهشت‌گونه است، بهشتی بزرگ‌تر از بهشت آدم (علیه السلام)^{٥٢} و ضعیف‌تر از بهشت‌های بعد از قیامت است.^{٥٣}
در رابطه با این موضوع، در حدیثی می‌فرماید:

٤٧- الخرائج و الجرائح، ج ٢، ص ٨٤٨.

٤٨- ﴿وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾.

هر کس غیر از اسلام دینی قبول کند، از او پذیرفته نمی‌شود و در آخرت از زیانکاران خواهد بود.

٤٩- [توبه ٣٣] ص ١٩٢.

٥٠- الکافی، ج ١، ص ٤٥١.

٥١- همان، ص ٤٣٦.

٥٢- [آل عمران ١٣٣] ص ٦٧.

٥٣- مختصر البصائر، ص ١١٥.

«سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ﴿إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَجَعَلَكُمْ مُلُوكًا﴾ قَالَ: «الْأَنْبِيَاءُ: رَسُولُ اللَّهِ صَ وَإِبْرَاهِيمُ وَإِسْمَاعِيلُ وَذُرِّيَّتُهُ، وَالْمُلُوكُ: الْأَيْمَةُ ع» قَالَ: فَقُلْتُ: وَ أَىَّ مُلْكٍ أُعْطِيتُمْ؟ قَالَ: «مُلْكِ الْجَنَّةِ وَ مُلْكِ الْكَرَّةِ»^{٥٤}

[راوی گوید:] از حضرت صادق (علیه السلام) درباره این آیه شریفه پرسیدم: ﴿إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَجَعَلَكُمْ مُلُوكًا﴾ یعنی: شما را پیغمبران و پادشاهان قرار دادیم. حضرت فرمود: مقصود از انبیاء پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و ابراهیم و اسماعیل و ذریه اوست، و منظور از پادشاهان ائمه اطهار (علیهم السلام) هستند. [راوی گوید:] عرضه داشتم: خداوند چه سلطنتی به شما عطا فرموده است؟ فرمود: سلطنت بهشت و سلطنت به هنگام رجعت.»

ویژگی های ملک عظیم در کلام امام حسین (علیه السلام)

ویژگی های این حکومت هم در آیات و هم در روایات به وفور آمده است که بنا نداریم اینجا به تمامی ابعاد آن بپردازیم، بلکه صرفاً به چند نمونه از ویژگی های آن سرزمین در کلام امام حسین (علیه السلام) اشاره می کنیم.

منزل داده شدن شیعیان در آن بهشت

در سیاق همان بهشتی که حضرت در روز عاشورا برای کاروانیان بیان می فرمایند، این توصیفات جای تأمل دارد؛ از جمله آنجا که می فرماید:

«وَلَا يَبْقَى رَجُلٌ مِنْ شِيعَتِنَا إِلَّا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْهِ مَلَكًا يَمْسُحُ عَنْ وَجْهِهِ التُّرَابَ وَيَعْرِفُهُ أَزْوَاجَهُ وَمَنَازِلَهُ فِي الْجَنَّةِ»^{٥٥}

و هیچ کس از مردان شیعه ما نمی ماند مگر اینکه خداوند بر او فرشته ای نازل کند که از صورت او خاک [تراب] را پاک کند و همسران و منزلتش را در بهشت به او نشان دهد.»

برطرف شدن هر بلا و بیماری از مردم

روشن است که چنین بهشتی لازم است از هر گونه بیماری و نقصانی به دور باشد:

«وَلَا يَبْقَى عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ أَعْمَى وَلَا مُقْعَدٌ وَلَا مُبْتَلَىٰ إِلَّا كَشَفَ اللَّهُ عَنْهُ بَلَاءَهُ بِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ»^{٥٦}

٥٤- همان، ص ١١٩.

٥٥- الخرائج و الجرائح، ج ٢، ص ٨٤٩.

٥٦- همان.

و در روی زمین، هیچ کور و زمین گیر و مبتلایی نمی ماند مگر اینکه به [برکت] ما اهل بیت (علیهم السلام)، از او مرتفع شود.»

نزول برکات از آسمان و زمین

چنین بهشتی شایسته آن کسانی است که ایمان آورده اند و تقوا ورزیده اند، و کاروانیان حسینی مصداق بارز این بهشتیان خواهند بود:

«وَلَنَنْزِلَنَّ الْبَرَكَاتُ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ حَتَّىٰ إِنَّا الشَّجَرَةَ لَتَقْصِفُ بِمَا يُرِيدُ اللَّهُ فِيهَا مِنَ الثَّمَرِ وَ لِيُؤْكَلَنَّ ثَمَرَةُ الشَّتَاءِ فِي الصَّيْفِ وَ ثَمَرَةُ الصَّيْفِ فِي الشَّتَاءِ وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى ﴿ وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُوا ۗ ۵۷ »

و همچنین برکت از آسمان به سمت زمین نازل می شود؛ حتی اینکه هر درختی از کثرت میوه ای که خدا در آن قرار می دهد به زمین می نشیند، مردم میوه های زمستان را در تابستان و میوه های تابستانی را در زمستان میل کنند. و آن گفتار خدای تعالی است که می فرماید و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می گشودیم، ولی تکذیب کردند؛ پس به [کیفر] دستاوردها [گریبان] آنان را گرفتیم.»

چشمه ها از مسجد کوفه

امام حسین (علیه السلام) در بخشی از خطبه خویش اشاره به چشمه هایی می کند که از مسجد کوفه جاری خواهد شد:

«ثُمَّ إِنَّ اللَّهَ يَخْرُجُ مِنْ مَسْجِدِ الْكُوفَةِ عَيْنًا مِنْ دُهْنٍ، وَ عَيْنًا مِنْ لَبَنٍ، وَ عَيْنًا مِنْ مَاءٍ؛^{۵۸}

سپس خداوند چشمه ای از روغن، و چشمه ای از آب، و چشمه ای از شیر در مسجد کوفه خارج می کند.»

این کلام امام (علیه السلام) جای تأمل بسیار دارد؛ اینکه این چشمه ها حاکی از چه مفهومی است و آیا سرچشمه همان نهرهایی خواهد بود که در بهشت ها از آن صحبت شده یا نه! آنچه مسلم است اینکه نباید مفاهیم دوران ظهور را با قواعد این زمانی سنجید.

۵۷- همان.

۵۸- الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۸۴۹.

«ثُمَّ إِنَّ اللَّهَ لَيَهَبُ لِشِيعَتِنَا كَرَامَةً لَا يَخْفَى عَلَيْهِمْ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانَ فِيهَا حَتَّىٰ إِنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ يُرِيدُ أَنْ يَعْلَمَ عِلْمَ أَهْلِ بَيْتِهِ فَيُخْبِرُهُمْ بِعِلْمِ مَا يَعْلَمُونَ.»^{۵۹}

سپس خداوند به شیعیان ما کرامتی را هدیه [هبه] می‌فرماید که هیچ چیزی روی زمین و آنچه در آن است بر آنها پوشیده نمی‌ماند، تا این که مردی از آنها بخواهد علم خاندانش را [احوال خانواده خود را بداند]، نسبت به آنچه عمل کرده‌اند خبر داده می‌شود.»

تدفین امام زمان (علیه‌السلام) توسط امام حسین (صلوات الله علیه)

در روایات داریم که همه اهل بیت (علیهم‌السلام) بعد از ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) حکومت خواهند کرد؛ یعنی بعد از نابودی ابلیس و ابلیسیان و دولت‌های گمراه و ظالم زمینه برای حاکمیت الله توسط خلیفه‌الله فراهم می‌شود. در زمان مُلکداری امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مردم بیشترین معرفت را نسبت به امام حسین (علیه‌السلام) خواهند داشت. بعد از اینکه ایشان به مرگ [طبیعی] از دنیا می‌روند، اولین کسی که بعد از امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) سال‌های طولانی حکومت خواهد کرد، امام حسین (علیه‌السلام) خواهد بود. امام حسین (علیه‌السلام) هستند که امام قبل از خود را تدفین خواهد کرد که در روایت ذیل نیز به این موضوع تصریح شده است.

امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید:

«الْإِمَامُ الَّذِي بَيْنَ أَظْهُرِ النَّاسِ يَوْمَئِذٍ فَإِذَا اسْتَقَرَّ عِنْدَ الْمُؤْمِنِ أَنَّهُ الْحُسَيْنُ لَا يَشْكُونَ فِيهِ وَبَلَغَ عَنِ الْحُسَيْنِ الْحُجَّةِ الْقَائِمِ بَيْنَ أَظْهُرِ النَّاسِ وَصَدَقَهُ الْمُؤْمِنُونَ بِذَلِكَ جَاءَ الْحُجَّةَ الْمَوْتُ فَيَكُونُ الَّذِي يَلِي غُسْلَهُ وَكَفْنَهُ وَحَنُوطَهُ وَإِيلَاجَهُ حُفْرَتَهُ الْحُسَيْنِ وَلَا يَلِي الْوَصِيَّ إِلَّا الْوَصِيُّ.»^{۶۰}

حضرت حجت قائم هنوز در میان آنها است، و چون به خوبی معرفت درباره حسین (علیه‌السلام) در دل مردم جای‌گیر شد آنگاه حضرت حجت را مرگ فرا رسید، آن کسی که او را غسل می‌دهد و کفن و حنوط می‌کند و به خاک می‌سپارد همان حسین بن علی (علیه‌السلام) است و متصدی کار دفن و کفن وصی کسی نیست جز وصی و امام.»

مُلک‌داری طولانی مدت امام حسین (علیه‌السلام) در بعد از ظهور

قیام و حرکت امام حسین (صلوات الله علیه) در سال ۶۰ هجری به نیت برپایی حکومت عظیم اهل بیت (علیهم‌السلام) آغاز شد. در حقیقت، این مُلک محصول و ثمره همان حرکت کاروانیان حسینی است که پس از

۵۹- همان.

۶۰- تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۲۸۱.

انتقام از دشمنان و نابودی آنان، توسط صالحین برپا شده است. پس از سالیان سال که امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) حکومت خواهند کرد. اولین امامی که بعد از ایشان پادشاهی آسمانها و زمین را بر عهده خواهند گرفت امام حسین (علیه السلام) خواهد بود که سالیان سال حکومت خواهند کرد. روایت زیر مؤید این مطلب است. امام صادق (علیه السلام) می فرماید:

«أَوَّلُ مَنْ يَرْجِعُ إِلَى الدُّنْيَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَ فَيَمْلِكُ حَتَّى يَسْقُطَ حَاجِبَاهُ عَلَى عَيْنَيْهِ مِنَ الْكِبَرِ
قَالَ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ﴿إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَى مَعَادٍ﴾
قَالَ نَبِيُّكُمْ ص رَاجِعٌ إِلَيْكُمْ»^{۶۱}

نخستین کسی که به دنیا برمی گردد، حسین بن علی (علیه السلام) است و او چندان سلطنت می کند که از پیری ابروانش بر روی دیدگانش می افتد. سپس حضرت فرمود: اینکه خداوند می فرماید: «در حقیقت، همان کسی که این قرآن را بر تو فرض کرد، یقیناً تو را به سوی وعده گاه بازمی گرداند.» مقصود پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) است که به دنیا برمی گردد.

۶۱- مختصر البصائر، ص ۱۲۰.

*: قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، قم، چاپ: اول، ۱۳۶۲ش.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا (علیه السلام)، تهران، چاپ: اول، ۱۳۷۸ق.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمة، تهران، چاپ: دوم، ۱۳۹۵ق.
۴. ابن مشهدی، محمد بن جعفر، المزار الکبیر، قم، چاپ: اول، ۱۴۱۹ق.
۵. استرآبادی، علی، تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة، ایران؛ قم، چاپ: اول، ۱۴۰۹ق.
۶. حلی، حسن بن سلیمان بن محمد، مختصر البصائر، ایران؛ قم، چاپ: اول، ۱۴۲۱ق.
۷. خامنه‌ای، سید علی، دیدار با پژوهشگران و کارکنان مؤسسه «دارالحدیث» و پژوهشگاه «قرآن و حدیث»، ۱۳۹۳ش.
۸. خصیبی، حسین بن حمدان، الهدایة الکبری، بیروت، ۱۴۱۹ق.
۹. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، الإیقاظ من الهجعة بالبرهان علی الرجعة، تهران، چاپ: اول، ۱۳۶۲ش.
۱۰. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، قم، چاپ: اول، ۱۴۰۹ق.
۱۱. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم، ایران؛ قم، چاپ: دوم، ۱۴۰۴ق.
۱۲. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، نهج الحق و كشف الصدق، بیروت، چاپ: اول، ۱۹۸۲م.
۱۳. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تهران، چاپ: اول، ۱۳۸۰ق.
۱۴. قطب الدین راوندی، سعید بن هبة الله، الخرائج و الجرائح، قم، چاپ: اول، ۱۴۰۹ق.
۱۵. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، قم، چاپ: سوم، ۱۴۰۴ق.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دار الإسلامیة، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ق.
۱۷. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ: دوم، ۱۴۰۳ق.
۱۸. موسوی خمینی، روح الله، صحیفة نور، ج ۲۱، ص ۱۰۸ تاریخ: ۶۸/۱/۲.

و السلام علی من اتبع الهدی

آذر ۱۳۹۳ - محرم ۱۴۳۶

کانون‌های مهدویت دانشگاه‌ها - بخش پژوهش